

## قاتل نجات یافته سردسته سارقان مسلح بود

مجرم سابقه‌دار پس از جلب رضایت اولیای‌دم‌در یک پرونده قتل باند سرقت مسلحانه تشکیل داده بود که به همراه همدستش بازداشت شد.

به گزارش جوان، تحقیقات کارآگاهان پایگاه‌دوم پلیس آگاهی تهران برای بازداشت اعضای باند از اول بهمن‌ماه امسال به جریان افتاد. تحقیقات کارآگاهان با بررسی شکایت‌های مطرح شده نشان داد که چهار سارق خشن در حالی که اسلحه و سلاح سرد به دست داشتند با تخریب در ورودی یا از راه بالکن وارد خانه‌شهروندان شده و دست به سرقت پول، طلاوارز می‌زنند. در حالی که هر روز بر تعداد شکایت‌های مطرح شده اضافه می‌شد کارآگاهان موفق شدند با بررسی دوربین‌های مداربسته یکی از سارقان را که از مجرمان سابقه‌دار بود، شناسایی کنند. هاشم ۲۰ساله قیلا‌بارها به اتهام سرقت و جرائم دیگر بازداشت و به زندان

## دزد سابقه‌دار با موتور همسایه به سرقت می‌رفت

سارق سابقه‌دار که با موتورسیکلت یکی همسایه‌هاش راهی سرقت می‌شد، به همراه همدستش بازداشت شد.

به گزارش جوان، ظهر روز بیستم‌دی‌ماه‌زن جوانی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. وقتی مأموران پلیس در محل حاضر شدند زن جوان گفت که ترک‌نشین یک دستگه موتورسیکلت مشکئی رنگ با چاقو او را تهدید کرده و کیف‌دستی‌اش و طلاهایی را که همراه داشت، سرقت کرده‌است. وقتی پرونده به دستور بازپرس دادسرای ناحیه۱۵ تهران در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه‌ششم پلیس آگاهی قرار گرفت، مأموران پلیس با حضور در محل و بررسی دوربین‌های مداربسته مالک موتورسیکلت را که مردی ۲۰ساله بود شناسایی کردند. مرد جوان گفت: من مدتی قبل موتورسیکلم را در پارکینگ خانه خواهرم که در همسایگی من است پارک می‌کردم و از ماجرای سرقت خبر ندارم. تحقیقات بعدی نشان داد یکی از ساکنان ساختمانی که خواهر مرد ۲۰ساله در آنجا زندگی می‌کند، یکی از سارقان سابقه‌دار

### گزارش محبوبه قربانی

استفاده از قلیان در قهوه‌خانه‌ها، رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها، بازداشت محکومان ارز و کشف محموله‌های مواد مخترقه غیر مجاز از جمله خبرهایی بود که فرمانده انتظامی تهران بزرگ آن را برای خبرنگاران تشریح کرد.

به گزارش جوان، صبح دیروز سردار حسین رحیمی در حاشیه طرح کنفیات ماسک‌های احتکار شده، خبر و خبر و برخورد با مخلان بازار ارز در جمع خبرنگاران حاضر شد. وی با اشاره به شیوع بیماری کرونا از بازداشت سه نفر از کسانی که اخبار روغین را در فضای مجازی منتشر می‌کردند، خبر و ادامه داد: «این روزها در برخی از شهرها افراد سودجو با توجه به مطرح شدن بحث وپروس کرونا اقدام به جمع‌آوری، دیو و احتکار اقلام بهداشتی مانند ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده می‌کنند. در همین راستا برای برخورد با سوداگران، پلیس امنیت اقتصادی، امنیت عمومی و پیشگیری دهها انبار و مرکز مهم تولید اقلام بهداشتی را بازدید کردند. در این بازدید تعدادی از صاحبان انبارها همکاری خوبی با وزارت بهداشت داشتند، اما برخی اقدام به احتکار کرده‌بودند که در چند روز اخیر بالغ بر ۵/۵ میلیون ماسک احتکار شده و غیربهداشتی در تهران کشف شد و چندین نفر در این رابطه بازداشت شدند.» سردار رحیمی در ادامه گفت: «بعضی کارگاه‌ها اقدام به تهیه ماسک به صورت غیربهداشتی کرده‌بودند که سه‌گانه شناسایی و پلمب شد. این ماسک‌های غیربهداشتی در بازار توزیع نخواهد شد و ماسک‌های احتکار شده نیز تحویل دانشگاه علوم پزشکی می‌شود تا پایگاه‌ششم پلیس آگاهی کشف‌ارزش‌ریالی‌اموال سرقت‌شده‌پیش از ۲۰۰میلیون تومان است و تاکنون ۴۸نفر از شاکیان دو مته‌ر از شناسایی کرده‌اند. وی گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر آنها در جریان است.

## حجرات

سرویس حوادث ۸۴۹۸۴۳۵

فرمانده انتظامی تهران بزرگ خبر داد

## کشف میلیون‌ها ماسک احتکار شده و ممنوعیت مصرف قلیان در قهوه‌خانه‌ها و کافی‌شاپ‌ها



محکومان بازار ماسک و اخلاخل کارگران بازار ارز

کرد و گفت: «دلان ارزی در همان لحظات اولیه بین ۵۰۰ تا ۷۰۰تومان قیمت ارز را بالا بردند. برخی از این دلان از مکان‌ها و مقرهای اصلی به نقاط دیگر مهاجرت کردند و بعضی در قهوه‌خانه‌ها برای خود کلونی تشکیل دادند. برخی از این افراد در فضای مجازی با ارائه قیمت‌های دروغین در حال فعالیت بودند که در این زمینه ۱۲۰۰کاتب شناسایی شد و تحت کنترل قرار گرفت، سپس با تشکیل بانک اطلاعاتی برای ۵۰۰دلال و سوداگر ارزی در پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ، ۳۷ریلدر فعال در فضای مجازی که نقش زیادی برای بالا

بردن قیمت ارز داشتند، بازداشت شدند و از آنها ۴میلیارد تومان ارز کشف شد.»

### کشف مواد مخترقه

رئیس پلیس تهران بزرگ همچنین از کشف انبارهای مواد مخترقه غیرمجاز خبر داد و گفت: «با تلاش همکاری‌م در پلیس تهران بزرگ در چند روز اخیر، بالغ بر عتن انواع مواد مخترقه غیرمجاز و قاچاق توسط پلیس در تهران بزرگ کشف و صبح روز گذشته نیز انباری در مولوی که ۵هزار موان مخترقه دست‌ساز را در خود جای داده بود، کشف شد.»

**زوج نیکوکار البرزی با دست‌های پر سخاوت و قلب پر مهرشان، بیای نامه آزادی ۱۵ مرد و زن بدهکار گل نشانندند و بی هیچ کلام با نشانی از خود، امید را به زندانیان ناامید هدیه دادند تا بار دیگر شکوه انسانیت را یادآور شوند.**



آزادی زندانیان زن پس از بازدید رییس کل دادگستری استان البرز از زندان زنان فردیس رقم خورد. زنانی که با حسرت و غم از رنج روزهای سرد و سیاه زندگیشان گفتند و نمی‌دانستند پایان روزهای ناامیدی است.

«رف» و همسرش سیده «مح» که با بخشش اموال خود موسسه «فردوس برین» را راه‌اندازی کرده‌اند، همچنین با اطلاع از سرگذشت زندانی زن که به دلیل محکومیت به حبس، شرایط آزادی را ندارند و فرزندان آنها در نبود مادر از مشکلات مالی رنج می‌برند، حمایت خود را تا سفره‌های خالی یک سکه‌کودکان بی‌پروانه وسعت دادند. انگار صدای حق هق گریه‌های این مادرهای غمگین همه فاصله‌ها بشکسته و از دیوارهای سرد و سنگین زندان تا پنجره اتاق این زوج نیکوکار همرا با نسیم بهاری بی‌خبر سفر کرده است تا بی‌کسی و تنهایی فرزندانمان را یادآور شود.

### سرگذشت غم‌انگیز ۳ زندانی زن

نمی‌خواهد حرفی بزند. اصلا زندگیش چیزی برای تعریف کردن ندارد. این زن ۴۵ ساله چند سال است که از همسرش جدا شده و سرپرش دو دخترش را برعهده دارد. دخترها درس می‌خوانند و در یک واحد اپارتمان کوچک و اجاره‌ای با حداقل امکانات در فردیس زندگی می‌کنند. خودش می‌گوید پرونده دختر کوچکترش به علت بدهی ۴ میلیون تومانی، در مدرسه گمرو نگه داشته شده و اسباب‌امکان ثبت نام در مدرسه دیگری را نداشته است. زمستان چهارسال پیش به جرم مواد مخدر دستگیر شد و در زندان زنان تحمل کیفر می‌کند. به گفته مددکار زندان و پسر اساس رای دادگاه، باقی‌تا سال ۱۴۰۷ در زندان بماند. اما زندگی آشفته و محقر دخترانش لطمه‌ای از نظرش دور نمی‌شود. چشمهایش با یاد آنها بارانی می‌شود: «خدا کند درخت زندگیم را آفت نزند ...» زندانی دیگری، زن جوان ۳۸ ساله ای است که با همسرش متارکه کرده و یک دختر دانشجو دارد که در منزل اقوام و خواگه دانشجویی زندگی می‌کند. به جرم مواد مخدر محکوم به ۲۵ سال حبس شده و تا سال ۱۴۱۹ محکومیت دارد. دختر تنها برای تحصیل شرایط سختی دارد و انجمن حمایت از زندانیان کرج او را برای دریافت کمک هزینه تحصیلی به زوج نیکوکار البرزی معرفی کرد.



سومین زندانی، زن ۴۶ساله‌ای است که تابستان امسال به جرم سرقت به زندان زنان معرفی شد و بر اساس تصمیم دادگاه تا سال ۱۴۰۰ محکومیت دارد. او نیز مادر ۲ دختر دانش آموز است که در خانه‌ای اجاره‌ای با حداقل امکانات، رفاهی زندگی می‌کنند. حال و روز دخترها در این روزهای بی‌کسی نگفتنی است و در نبود مادر شرایط سختی دارند. هر چند مادرشان هم از سر بیچارگی و فقر مرتکب سرقت شده بود. زوج نیکوکار البرزی برای فرزندان این زندانیان زن، کمک هزینه تحصیلی در نظر گرفتند تا در نبود مادر ناچار به ترک تحصیل نشوند.

### آزادی مرد ورشکسته

در بازدید دکتر «حسین فاضلی هریکندی» رییس کل دادگستری استان البرز از نامتگاه فردیس، مرد میانسالی برای رفاهی از زندان درخواست کمک کرد. به گفته مسئول مددکاری، وی از ۱۲ سال پیش به دلیل ورشکستگی و بدهی مالی زندانی شده بود. این مرد ۵۰ساله گفت: کارگاه تولید کفش داشتم اما ورشکسته شدم.

برای جبران ضررهای مالی، تصمیم به ساخت آپارتمان در خانه کلنگی پدرم گرفتم. اما شهرداری بر خلاف وعده‌هایش، جواز ساخت یک طبقه کمتر را داد و چون واحدها را پیش فروش کرده بودم با شکایت خریداران رو به رو شدم. حالا ۱۲ سال است که زندانی هستم و همسر و فرزندانم اجازه نشین و بی پناه شده‌اند. این مرد برای جلب رضایت شاکیانش ۲۵ میلیون تومان نیاز داشت که بلافاصله به همت زوج نیکوکار مقدمات آزادی وی فراهم شد.

### آزادی ۹ زندانی مهریه

به همت «رف» و همسرش سیده «مح»

## شادی ۱۸ زندانی بدهکار در خزان زندگی

وجود می‌ریزد. کیف زنی اتهام این زن ۵۰ساله است که ۳ فرزند و همسری معتاد دارد. ۲ میلیون تومان برای رفاهی از بند می‌خواهد که ندارد. می‌گوید: هیچ وقت اعتیاد نداشته‌ام اما به خاطر بیماری آنقدر چهارم بهم ریخته که کسی حاضر نیست حتی نظافت‌خانه‌اش را به من واگذار کند. به گدایی راضی بودم. هیچ پولی نداشتم و سخت درعذاب بودیم. زندانی بیمار از سرگردانی فرزندانم به رییس کل دادگستری البرز می‌گوید. از سال ۹۵ بازنداشت است. نام دخترانش را که به زبان میاورد، قاچمش خیم می‌شود. ناله می‌کند که «اشتباه کردم. خدایا توبه کردم» ...

### ۱۰ سال انتظار برای آزادی

زن ۳۸ساله از ۱۰ سال پیش به اتهام سرقت زندانی است. سال‌ها قبل همسرش او را ترک کرد و با همسر دومش رفت. اما او هنوز طلاق نگرفته و به وجود ۲ فرزندش دلخوش است. به اتهام سرقتی که در بندعباس صورت گرفته در کرج بازداشت شد. او برای آزادی ۲۱ میلیون تومان نیاز داشت. در پرونده این زن سرقت ۳۰کیلو گردو هم ثبت شده است.

### دیه کودک همسایه

این زن جوان، پرستار کودک است. مادرش هم سرقت، ضرب و جرح، خیانت در امانت زندانی است. همسر «لیلا» نابینا است و دو پسر ۱۰و ۱۰ساله دارند. آنها در خانه اجاره‌ای با حداقل امکانات زندگی می‌کنند. مادر «لیلا» نیز با آنها زندگی می‌کند، چون بیزرن سربهای ندارد. پسر بزرگترش به دلیل ناتوانی پدر، در یک مغازه ساندویچ فروشی کار می‌کند و با همان درآمد ناچیزش، گذران زندگی می‌کنند. «یلا از سال ۹۴ در زندان زنان است و به خاطر فقر مالی، کمتر کسی به ملاقاتش می‌آید. او محکوم به دو میلیون تومان رد مال به شاکي بود که به همت زوج نیکوکار، بدهی وی پرداخت شد.

### رفاهی مادری دل‌تنگ

از گفتش شرم دارد و سعی می‌کند حرف‌هایش برای آرام‌نحوه کند. ۲۷ساله، همسرش معتاد و بی‌کار بود. وقتی به زندان افتاد زندگیم آقدر سخت شد که اصلا نمی‌گذشت. پسرم شیرخواره بود و هر دو گرسنه بودیم. در یک فروشگاه از غفلت فروشنده سوء استفاده کردم و تلفن همراهش را برداشتم. آن را به دوستم دادم که بفروشد اما طمع کرد و منکر شد. من ماندم و شاکي که ۸ میلیون تومان خسارت می‌خواهد. حالا ۱۱ سال است که زندانیم و شوهرم آزاد شده و بی زندگیش رفته. پسر ۳ساله در شهرستان نزد اقوام است و از او بی‌خبرم ... گریه‌امانی نمی‌دهد.

### آزادی یک زن مبتلا به سرطان

چهره زندگیش سوسو می‌زند. آقدر شکسته و تکیده است که بی‌امان، غم‌هایش به عمق

### قتل آتشین زن صیغهای به‌دست شوهر

مردی که متهم است پس از باشیدن بزین به‌روی همسر صیغهای خود او را آتش کشیده است تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش جوان، روز یکشنبه‌ششم‌بهمن‌ماه‌امسال قاضی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس مأموران پلیس از مرگ مشکوک‌زن جوانی در بیمارستان شهدای یافت‌آباد با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی‌روی تخت‌بیمارستان‌با جسدزن ۲۴ساله‌ای به نام مژگان رویزه شدند که ۲۷ماه‌در خانه شوهر صیغهای خودحوالی هفت‌چهار‌دچار سوختگی شده‌به بیمارستان منتقل شده‌بود. بنابراین شوهر صیغهای با زوجی شد وی در اعلای گفت: مژگان زن صیغهای من بود و باهم زندگی می‌کردیم. مژگان علاقه زیادی به بوی بزین داشت و هر زمانی من برای موتور سیکلم بزین می‌خریدم او مقداری از آن رو پارچه‌ای می‌ریخت و بومی کشید.روز حادثه چندلیتر بزین برای موتورسیکلم خریدم و به خانه آوردم که همسرم دید و از من خواست طرف بزین را به او بدهم و من هم مثل همیشه به او دادم و مژگان شروع به بو کشیدن بزین کرد. از آنجایی که او عاشق بزین بود به شوخی مقداری از بزین را مثل عطر واد کلن به روی لباسش پاشیدم و به او گفتم که عطر بزین به لباس هایت زدم و او هم خندید و در همین لحظه من سیگاری روشن کردم که ناگهان لباس هایش آتش گرفت که با کمک همسایه‌ها آتش را خاموش و او را به بیمارستان منتقل کردیم.

در تحقیقات بعدی اما مشخص شد مژگان با شوهر صیغهای خود اختلاف داشته و از او می‌خواست است که او را به عقد دائم خود در آورد. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت خانواده مژگان به اداره پلیس رفتند و از شوهر مژگان به اتهام قتل شکایت کردند. مادر متوالت گفت: دخترم مدتی قبل از شوهر اولش جدا شد تا اینکه سال ۹۷ در مراسم عروسی با شوهر صیغهای خود که ایرج نام دارد، آشنا شد. قرار بود مدتی بعد او را به عقد دائم خودش در آوردم اما قبل خود عمل نکرد و به همین دلیل باهم اختلاف داشتند. ایرج هرروز دخترمان را گفتم که زنی‌تایک‌ه‌حادثه اتفاق افتاد وقتی به بیمارستان رفتم دخترم که توان کفر زدن نداشت به سختی به من گفت که شوهرش او را آتش زده و اینک شوهرش مدعی است دخترم عاشق بزین بوده است. دروغ است.

پس از طرح این شکایت قاضی واحدی دستور بازداشت ایرج را صادر کرد. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

نزدیک با درد و رنج مردم شهر آشنا بوده و با دقت نظر مشکلات نیازمندان را طرح و پیگیری می‌نمایند، موجب تسریع در انجام این امور و تشویق برای مشارکت در کارهای خیر است. همتاگونه که وسعت دید «حاجی رضا شاکرمی» دادستان سابق البرز در سال‌های گذشته نیز به آزادی زندانیان زیادی انجامید.

«رف» تاکید دارد: خداوند مرا در برابر آزمونی بزرگ قرار داده تا گره گشای مردمی باشم که تنها و بی‌کس هستند. هرکس برای رسیدن به آرامش زندگی خود مشکوه و نمی‌توان شوق آستان پشیمانی که انتظار یک معجزه وجودش را فرآ گرفته است، ناامید نگرفت.

### حرمت آبروی یک مجرم پشیمان

زن مبتلا به سرطان باید برای شیمی درمانی به همراه مأمور بدرقه به بیمارستان اعزام شود اما بی‌خبر از آنچه خدا برایش رقم زده، نامه آزادی خود را دریافت می‌کند. از صدای گریه‌اش بوی شوق می‌آید. ناباورانه می‌گوید: سال‌ها پیش مرده بودم. هم‌زمان روح لثی ...! خطایی که کردم، دامنگیر فرزندانم شد. هر بار که به ملاقات می‌آیند، بیماری‌ام تشدید می‌شود چون بچه‌ها سرگردان و سرافکنده شده‌اند. می‌خواهم قدرشناس این معجزه باشم. این هدیه‌ای از یک بندهی خوب خداست. مادر دل‌تنگ، آزادیش را باور ندارد. می‌خواهد بداند سفیر آزادیش چه کسی است. چندین خواب دیده که دعاهایش مستجاب می‌شود و در زندان هم نذر داده است. زنی که شوهر نابینا و ۲ فرزند کوچک دارد، بارها اشتباهاتش را با خودش مرور کرده است. می‌گوید: اینجا آخر دنیااست. اینجا زندگی تمام می‌شود. همه چیزت شکل دیگری است. دنیا تنها امیدمان خاست که اگر نباشد نفس تنگ می‌شود و به شماره می‌افتد. خوشحالم که پس از این همه دوری و درد، فرزندانم را در آغوش می‌بینم. باور نمی‌شود کسی که مرا نمی‌شناسد، آزادی به من هدیه کند. حالا امید همه سلول‌شان را فرآ گرفته‌است. دیگر اینجا پایان دنیا نیست. صدای گریه این زندانیان به پناه، زرمزه دعاهایی شده که فاصله‌ها را شکسته است. آبروی یک مجرم پشیمان، در معامله با خدا خریده شود ...